

بسم رب الشهداء

محل تولد: کلاچای

تاریخ تولد: 12/6/1348

تحصیلات: اول متوسطه

وضعیت تأهل: مجرد

اعزامی: بسیج سپاه

تاریخ شهادت: 23/4/1365

محل شهادت: سلیمانیه عراق

محل دفن: گلزار شهدای کلاچای

زندگینامه

بسیج دانش آموز علیرضا جعفری در 12/6/1348 در قاضی چاک (اشکورات رودسر) به دنیا آمد. نبود پدر به دلیل کار در بیرون، مادر نقش مهمی در یادگیری واجبات دینی به شهید و دیگر فرزندان داشت. شهید در مدرسه بسیار فعال بود. صدای زیبایی داشت و بچه های مدرسه پس از شنیدن آیات قرآن با صدای زیبایی او در کلاس حاضر می شدند. در مدرسه تئاتر بازی میکرد و ورزشهای مورد علاقه اش فوتبال و پینگ پنگ بود. بسیار صله رحم به جا می آورد. از کسی ایراد نمی

گرفت. بسیار بجا صحبت میکرد. عشق به بسیج باعث شده بود تا او مدرسه را ترک کرده و به آنجا برود و کارهای آنجا را انجام دهد. علاقه وافری به جنگ و جبهه داشت. اولین بار علیرضا از مسجد محل اعزام شد و راهی منجیل شد. زمانیکه به آنجا رسیدند برف و سرما فراوان بود و درهای پادگان ها قابل باز شدن نبود. بچه ها هر طور بود شب را سپری کردند و فردا صبح به خانه هایشان برگشتند اما علیرضا در آنجا ماند و به کارها ادامه داد. در طول مدتی که در جبهه بود عشق شهادت در وجودش شعله ور شده بود. ولی اصلاً بروز نمی داد و نمی گفت. زمانی که به مرخصی می آمد فقط راه می رفت و با خود زمزمه می کرد: به کربلا می روم. با شهدا می روم.

آخرین باری که علیرضا به خانه آمد تابستان بود که بعدش به شهادت رسید. در 23 تیر ماه سال 65 بر اثر اصابت گلوله از پشت سرش در منطقه سلیمانیه عراق در 17 سالگی به شهادت رسید. کفنش همان لباس خونین، همان پوتین و همان شلوار خونین بود.

چگونگی شهادت شهید از زبان مادر شهید:

حین جنگ همه دوستانش به شهادت رسیدند و چند نفری باقی مانده بودند. زمانیکه به سنگر برگشتند همه از آفتاب سوزان آن روز دچار تشنگی شدید شده بودند. هیچ کدام از خستگان توان رفتن به سراغ آب را نداشتند آب هم جایی در تیر رس عراقی ها بود. علیرضا به راه افتاد خود را به آب رساند و برگشت با زرنگی زیاد آن را به شهر رساند ولی در آن زمان عراقی ها سر او را نشانه گرفتند و از پشت او را به شهادت رساندند.